

معرفی و نقد روش ایزوتسو در کتاب مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید

سید محمد میرحسینی*

استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(د)، قزوین

مرتضی قاسمی حامد**

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۸/۲۵)

چکیده

یکی از مؤثرترین دانشمندان در زمینه معناشناسی قرآن، توشیهیکو ایزوتسو محقق ژاپنی در کتاب «مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید» است. این کتاب از سه بخش کلی در قالب یک پیشگفتار، ۱۱ فصل و یک خاتمه تشکیل شده است. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی کتاب می‌پردازد. مطابق نظر این کتاب، مفاهیم اخلاقی - دینی قرآن دو دسته‌اند: دسته اول، تقابلهای اخلاقی که قرآن به تأیید یا تصحیح آنها و یا مخالفت با آنها می‌پردازد؛ از جمله تصوّر بدبینانه زندگی خاکی، همبستگی قومی و قبیله‌ای و فضیلت‌های کهن در میان اعراب. دسته دوم، مفاهیم عمده اخلاقی که هر یک از آنها بسیاری از واژه‌های مهم اخلاقی را در بر می‌گیرند و از این قرارند: کفر، نفاق، ایمان، خوب و بد. تأکید مؤلف در این کتاب، توجه تام به قرآن است، چنان‌که «قرآن خود سخن گوید و مفاهیم خود را تفسیر و تعبیر کند». از این رو، بسیار به روابط میان واژه‌ها توجه داشته است و هر یک از مفاهیم با کمک واژه‌های متضاد و مترادف توضیح داده می‌شوند. روش او در این کتاب، از چند شاخصه برخوردار است: بیان نظریه‌های مختلف، ارائه نظریه‌های جدید، ارجاع فراوان به آیات قرآن، پرهیز از شتابزدگی و توجه به جنبه‌های مختلف، اعتقاد به یکپارچگی و اخلاقی بودن مباحث قرآن، اعتقاد به نسبت در اخلاق، پیروی از سیر منطقی در ارائه مفاهیم و نیز اعتقاد به نسبت زبانی و متن‌گرایی. از جمله مزایای این اثر عبارت است از: دسته‌بندی کاملاً مناسب، سعی در استخراج معانی واژه‌ها از خود قرآن و استفاده از منابع گوناگون در تدوین کتاب است. از جمله کاستی‌های آن نیز عبارتند از: وجود برخی اشتباه در کتاب، مانند اشتباه در ذکر آیات قرآن، استفاده نکردن از منابع شیعی در ذکر مثال‌ها و توجه نکردن به وجوه گوناگون و معانی متعدد واژه‌هاست. با این همه، ایزوتسو بی‌طرفانه به ارائه مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن پرداخته است و در ارائه نظام مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن توفیق فراوان یافته است؛ زیرا اگر دور از اغراق و بزرگنمایی به نظریه او توجه گردد، راهی به سوی پژوهش‌های جامع در حوزه معناشناسی اخلاقی قرآن می‌گشاید.

واژگان کلیدی: قرآن، توشیهیکو ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، روش‌شناسی، تقابلهای اخلاقی.

* E-mail: m_mirhoseini89@yahoo.com

** E-mail: mor.ghasemihamed@gmail.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

ایزوتسو در کتاب مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، با ارائه نظریه‌ای نو به استخراج مفاهیم اخلاقی قرآن می‌پردازد. نظریه ایزوتسو، توجه تام به قرآن است، به گونه‌ای که قرآن خود مفاهیم خود را ارائه می‌نماید. این نظریه در نوع خود بی‌سابقه بود، اما به دلیل فواید بسیاری که داشت، بسیار مورد اتمام قرار گرفته است. از این رو، عده‌ای به معرفی این نظریه و آثار قرآنی او روی آورده‌اند. آثار نوشته شده پیرامون این کتاب دو دسته‌اند: دسته اول مقاله‌هایی که تنها به معرفی و نقد تئوری ایزوتسو در زبان اخلاقی قرآن می‌پردازند و در آنها تنها برخی از مباحث این کتاب مورد اشاره قرار می‌گیرد؛ مانند: «بحثی در زبان اخلاقی قرآن»، حسین معصومی همدانی؛ «نقد و بررسی آرای ایزوتسو در حوزه معناشناسی قرآن کریم» از علی شریفی، «ایزوتسو و معنی‌شناسی در آیات قرآن» اثر مسعود ربیعی آستانه، «معنی‌شناسی و فهم متن» از سید حیدر علوی‌نژاد، «قرآن پژوهی ایزوتسو» و «روش پدیدارشناسانه ایزوتسو در قرآن پژوهی» اثر بهاء‌الدین خرمشاهی، «ایزوتسو و معنی‌شناسی قرآن» اثر شهریار نیازی و «بررسی و نقد معناشناسی قرآنی ایزوتسو» از سید مهدی لطفی. دسته دوم مقاله‌هایی که در آنها به معرفی اجمالی کتاب پرداخته می‌شود و در برخی موارد، نقدهایی بیان می‌گردد که بیشتر ناظر به نظریه ایزوتسو می‌باشند و نه روش او؛ مانند «ایزوتسو و بازساخت تطبیقی مفهوم ایمان»، «ایزوتسو و نقد و بررسی دو اثر قرآنی وی» از سید محمدعلی ابازی و مریم پورافخم، «مفاهیم اخلاقی در قرآن» از مصطفی محقق داماد و «ایزوتسو و مفاهیم اخلاقی قرآن» (گفتگو) از فریدون بدره‌ای. با توجه به کاستی‌های موجود، این تحقیق با تمرکز بر این کتاب به نگارش درآمده است. از این رو، وجه نوآوری این نوشتار در معرفی تفصیلی کتاب و ارائه مطالب با رویکرد روش‌شناسانه است.

۱- نظریه‌های معنایی و نظریه ایزوتسو

مهم‌ترین نظریه‌های معناشناسی عبارتند از: ۱- انگاره‌ای - تصویر ذهنی؛ یعنی معنای هر واژه تصویری است که در ذهن تداعی می‌شود. ۲- تداعی واژه‌ها؛ یعنی کشف روابط میان یک واژه و واژه‌های دیگر. ۳- حوزه‌ای؛ یعنی جهان بیرون توده‌ای بی‌شکل است که زبان به آن

شکل می‌دهد. ۴- نمونه مادر؛ یعنی نمونه یا نمونه‌های مادر در هر دسته اعضایی هستند که بیشترین ویژگی را با اعضای دیگر به اشتراک می‌گذارند و کمترین شباهت را با اعضای دسته‌های دیگر دارند. ۵- فرازبان معنایی؛ یعنی برخلاف نظریه‌های برون‌زبانی، تلاشی بر برقراری ارتباط میان واژه‌ها و جهان بیرون صورت نمی‌گیرد و در مقابل، معنی هر واژه به وسیله صورت‌های زبانی دیگر مشخص می‌شود. ۶- مشخصه‌های معنایی؛ یعنی معنای یک واژه، نه یک مفهوم واحد، بلکه ترکیبی از مشخصه‌های معنایی است (ر.ک؛ پهلوان‌نژاد و سزاوار، ۱۳۸۷: ۱۰۹-۱۱۱). اما مهم‌ترین نظریه پیرامون معناشناسی قرآن، شبکه معنایی است؛ یعنی معنای هر واژه با توجه به جایگاه آن در شبکه قابل درک است که این امر مستلزم آگاهی از روابطی است که آن واژه با واژه‌های دیگر در همان حوزه و دیگر حوزه‌ها دارد. این نظریه از خود قرآن استخراج شده است (ر.ک؛ همان: ۱۱۲-۱۱۹).

نظریه ایزوتسو در معناشناسی قرآن، قوم - مردم‌شناختی است که بنیانگذار آن، ویلهلم فون هومبولت است. این مکتب به دو شاخه آلمانی و آمریکایی تقسیم می‌شود. شخص شاخص این مکتب در آلمان، لئو وایسگربر و در آمریکا، ادوارد ساپیر است. در این مکتب، امکان مطالعه زبان فارغ از مطالعه زندگی یک قوم وجود ندارد و دنیا از نگاه هر ملتی با نگاه ملت دیگر متفاوت است (ر.ک؛ شریفی، ۱۳۹۲: ۸۴). نظریه ایزوتسو تلفیقی از نظریه وایسگربر و ساپیر است (ر.ک؛ ایزوتسو و بازساخت تطبیقی مفهوم ایمان، ۱۳۷۹: ۳۵) که خود به آن اذعان می‌کند (ر.ک؛ ایزوتسو، ۱۳۷۸، الف: ۱۴)، به گونه‌ای که مشترکات آن دو را مد نظر قرار می‌دهد (ر.ک؛ شریفی، ۱۳۹۲: ۸۹). او نمونه‌هایی را بیان می‌دارد، از جمله واژه «هرزه‌گیا» که در عالم واقع و عینی وجود ندارد و یا واژه «میز» که بر انواع میز از قبیل گرد، چهارگوش و ... قابل انطباق است و بدین وسیله نشان می‌دهد که هیچ گونه مطابقت عینی منسجم، ساده و یک‌به‌یک میان یک شیء و نام آن وجود ندارد و هر یک از واژه‌های ما نمایانگر منظر و زاویه خاصی است که ما از آنجا به جهان می‌نگریم (ر.ک؛ ایزوتسو، ۱۳۷۸، الف: ۱۴-۱۷؛ برای اطلاع از مبانی نظری ایزوتسو در معناشناسی، ر.ک؛ لطفی، ۱۳۹۳: ۴۰-۵۰).

۲- ایزوتسو و کتاب مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید

این نوشتار نیازمند دو مقدمه علمی به شرح زیر است، تا ضمن آشنایی اجمالی با زندگی علمی و آثار ایزوتسو، شاخصه‌های کتاب مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، از دیدگاه‌های مختلف برای مخاطبان نمایان شود:

۲-۱) شخصیت علمی ایزوتسو

توشیهیکو ایزوتسو در چهارم می ۱۹۱۴ میلادی در شهر توکیوی ژاپن دیده به جهان گشود. او زبان انگلیسی را در دبیرستان فراگرفت، سپس وارد دانشگاه کیو گردید. آنگاه در ۲۰ سالگی به فراگیری زبان عربی پرداخت. ایزوتسو علاوه بر انگلیسی و عربی، دیگر زبان‌های زنده دنیا از جمله فرانسه، آلمانی، لاتینی، ایتالیایی، اسپانیایی، روسی، عبری، چینی قدیم، چینی جدید، سانسکریت، فارسی و ترکی را نیز فراگرفت. او بعد از گرفتن درجه دکتری در رشته زبانشناسی، در همان دانشگاه به تدریس در این رشته پرداخت.

در سال ۱۹۵۹ میلادی برای نخستین بار از ژاپن خارج شد. ابتدا به لبنان و آنگاه به مصر رفت. در مصر با ابراهیم مدکور و احمد فؤاد اهوآنی آشنا شد و به پیشنهاد کامل حسین، عضو فرهنگستان زبان عربی در قاهره گردید. در سال ۱۹۶۱ میلادی به مونترال کانادا رفت و در آنجا با مهدی محقق آشنا شد و با همکاری یکدیگر مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل را تأسیس کردند و سلسله دانش ایرانی را بنیاد نهادند.

ایزوتسو در سال ۱۹۶۹ میلادی به ایران آمد و علاوه بر همکاری با محقق، در انجمن فلسفه به تدریس پرداخت و دانشگاه تهران به او درجه دکتری افتخاری اعطا کرد. ایزوتسو هم‌زمان با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، به ژاپن بازگشت و سعی کرد که از آن پس، تحقیقات خود را درباره اسلام به زبان ژاپنی عرضه کند. او سرانجام در هفتم ژانویه ۱۹۹۳ میلادی در سن ۷۹ سالگی در شهر کاماکاری ژاپن درگذشت (ر.ک؛ محقق، ۱۳۷۱: ۱۵۵-۱۶۲؛ پورجوادی، ۱۳۷۱: ۸-۲؛ خرمشاهی، ۱۳۷۱: ۶۱؛ ایزوتسو، ۱۳۷۸، ب: ۲۱-۲۸؛ همان، ۱۳۷۸، الف: یازده - چهارده؛ همان، ۱۳۷۴: ده - یازده؛ غفوری‌نژاد، ۱۳۸۰: ۸۸-۹۱؛

دین‌پرست، ۱۳۸۲: ۳۲-۳۴؛ ربیعی آستانه، ۱۳۸۳: ۳۳۰-۳۳۴؛ قنبری، ۱۳۸۵: ۱-۲۵ و نصیری، ۱۳۸۶: ۲۶).

تحقیقات ایزوتسو در چهار محور قرآن‌پژوهی، عرفان، فلسفه (ر.ک؛ ربیعی آستانه، ۱۳۸۳: ۳۳۴؛ همان، ۱۳۸۰: ۱۲۲ و نصیری، ۱۳۸۶: ۲۶) و کلام است (ر.ک؛ علوی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۲۹۰). از جمله مهم‌ترین آثار ایزوتسو عبارتند از: ترجمه قرآن به زبان ژاپنی که نخستین ترجمه از عربی به ژاپنی است (۱۹۵۱-۱۹۵۸ م)، خدا و انسان در قرآن به زبان انگلیسی که به قلم احمد آرام به فارسی ترجمه شده است (۱۹۶۴ م)، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید به زبان انگلیسی که فریدون بدره‌ای آن را به فارسی ترجمه کرده است (۱۹۶۶ م)، مفهوم ایمان در کلام اسلامی به زبان انگلیسی که زهرا پورسینا آن را به فارسی ترجمه کرده است (۱۹۶۵ م)، بررسی تطبیقی مفاهیم کلیدی فلسفی در تصوف و تائویسم به زبان انگلیسی که محمدجواد گوهری آن را به فارسی ترجمه کرده است (۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ م). (ر.ک؛ محقق، ۱۳۷۱: ۱۶۳ و ۱۶۴؛ پورجوادی، ۱۳۷۱: ۲-۸؛ ایزوتسو، ۱۳۷۸، الف: دوازده - چهارده؛ همان، ۱۳۷۸، ب: ۲۱-۲۸؛ همان، ۱۳۷۴: یازده - دوازده؛ ربیعی آستانه، ۱۳۸۳: ۳۳۱-۳۳۴؛ قنبری، ۱۳۸۵: ۱-۲۵، ۸۳-۹۱ و نصیری، ۱۳۸۶: ۲۶).

۲-۲) کتاب مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید

پیش از بررسی مباحث کتاب مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید و مفاهیم مطرح شده در آن، باید این کتاب به شکل کلی معرفی گردد. از این رو، این کتاب از چند نظر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۲-۲-۱) ساختار

این کتاب از سه بخش کلی در قالب پیشگفتار، ۱۱ فصل و خاتمه تشکیل شده است که از این قرارند: ۱- اصول تجزیه و تحلیل معنایی: پیشگفتار، دیباچه (زبان و فرهنگ)، فصل اول (دامنه و کانون بررسی)، فصل دوم (روش تجزیه و تحلیل و کاربست آن). ۲- از اخلاقیات قبیله‌ای تا اخلاق اسلامی: فصل سوم (تصور بدبینانه زندگی خاکی)، فصل چهارم (همبستگی قومی و قبیله‌ای)، فصل پنجم (اسلامی شدن فضیلت‌های کهن عرب)، فصل ششم (دوگانگی

بنیادی اخلاقی). ۳- تجزیه و تحلیل مفاهیم عمده: فصل هفتم (ساختمان درونی مفهوم کفر)، فصل هشتم (حوزه معنایی کفر)، فصل نهم (نفاق دینی)، فصل دهم (مؤمن)، فصل یازدهم (خوب و بد)، خاتمه.

در بخش اول، نویسنده مبانی نظری خود را بیان می‌کند و در بخش دوم با نگرشی تاریخی به بیان تحوّل می‌پردازد که از ظهور اسلام، از نظر اخلاقی در جامعه عرب پدید آمد. بخش سوم به توصیف چند مفهوم عمده اخلاقی در قرآن و به بیان حوزه معنایی هر مفهوم و رابطه آن با دیگر مفاهیم اخلاقی - دینی قرآن اختصاص دارد (ر.ک؛ قنبری، ۱۳۸۵: ۱۸؛ خرمشاهی، ۱۳۸۰، الف: ۳۸ و ۳۹). دامنه بررسی در این کتاب، بخشی از تاریخ عربستان است؛ از دوران شرک تا نخستین روزهای ظهور اسلام؛ زیرا بررسی این دوره، بهترین مواد و اسناد تولّد و رشد یک قانون‌نامه اخلاقی را به دست می‌دهد (ر.ک؛ ایزوتسو و بازشناخت تطبیقی مفهوم ایمان، ۱۳۷۹: ۳۵).

۲-۲-۲ نوآوری

در دیباچه، وجه تمایز این کتاب با تحقیق‌های مشابه بیان و تأکید شده است که قصد مؤلف در این کتاب آن بوده که قرآن به زبان خود سخن می‌گوید و خود مفاهیم خود را تفسیر و تعبیر می‌کند و از این رو، بر شواهد غیرمستقیم ناشی از ترجمه متون اصلی اعتماد نشده است؛ زیرا واژه‌ها و جمله‌های ترجمه شده در بهترین صورت خود جز معادل‌های جزئی نیستند و اثرهای زیانبخشی را به دنبال دارند. مؤلف ضمن اشاره به نمونه‌هایی از اشتباه‌های ترجمه‌ای متون، مخاطبان را نسبت به این خطر بزرگ هشدار می‌دهد و می‌گوید عقیده مردم درباره اینکه بد و خوب چیست و یا درست و نادرست کدام است، از مکانی به مکانی و از زمانی به زمان دیگر فرق می‌کند و این اختلاف کاملاً اساسی و بنیادی است که ریشه در عادات زبانی افراد هر جامعه دارد. در ادامه، مؤلف به معرفی زبان و واژگان اخلاقی قرآن می‌پردازد، به گونه‌ای که نظریه‌های موجود را می‌آورد و نقد می‌کند و در نهایت، نظریه معنایی خود را که تلفیقی از نظریه وایسگربر و ساپیر است و با نوآوری‌هایی همراه است، به صورت تفصیلی با ذکر مثال‌های بسیار شرح می‌دهد. همچنین او در این بخش بیان می‌کند که به منابع، فرهنگ‌ها و تفاسیر دست اول رجوع کرده است (ر.ک؛ ایزوتسو، ۱۳۷۸، الف: ۷-۳۱).

۲-۲-۳ ویژگی‌ها

بر اساس آنچه در پیشگفتار فصل اول و دوم بیان شده، ویژگی‌های کتاب از این قرار است:

۱- این کتاب ویرایش جدید کتاب پیشین مؤلف به نام *ساختمان (ساختار) اصطلاحات اخلاقی در قرآن* است، به گونه‌ای که مطالبی به آن افزوده شده، مطالبی از آن حذف گردیده است و بسیاری از مطالب آن بازنویسی شده است و سعی شده تا بیانگر نظریه‌های جدید مؤلف باشد. همچنین عنوان آن نیز تغییر یافته است تا مبدا گمان شود که در این کتاب همه واژه‌های اخلاقی قرآن بررسی شده است، بلکه تنها مفاهیم اخلاقی - دینی قرآن را مورد بررسی قرار می‌دهد و به دیگر انواع مفاهیم اخلاقی قرآن جز در چند مورد استثنایی نپرداخته است. این تجدید نظر به اشاره چارلز جی آدامس مدیر مؤسسه تحقیقات اسلامی دانشگاه مک‌گیل انجام شده است.

۲- سیستم نویسه‌گردانی در این پژوهش، سیستم کتابخانه کنگره است، با این تفاوت که الف مقصوره با a نشان داده شده است و تنوین تنها در عبارت‌های قیدی ذکر گردیده است.

۳- آیات قرآنی مورد استشهداد، از قرآن‌های چاپ فلوجل و چاپ جدید مصر برگرفته شده است و در مواردی که شماره آیات در این دو چاپ با یکدیگر متفاوت بوده، هر دو ذکر و با یک خط مورب از هم جدا شده‌اند.

۴- در ترجمه آیات سعی شده تا ترجمه خود مؤلف ارائه شود، هر چند او خود را مدیون مترجمین پیش از خود، همچون رادول، سیل، پیکتال و آربری می‌داند (ر.ک؛ همان: ۳-۶).

۵- ایزوتسو در این کتاب تأکید می‌کند سه مقوله متفاوت از مفاهیم اخلاقی در قرآن هست که عبارتند از: الف) مقوله‌ای که درباره طبیعت اخلاقی خداوند است و آن را اخلاقیات الهی گویند. ب) مقوله‌ای که جنبه‌های مختلف نظر و بینش آدمی را نسبت به خداوند وصف می‌نماید. ج) مقوله‌ای که درباره اصول رفتاری افراد متعلق به جامعه اسلامی است. دو مقوله دوم و سوم را اخلاقیات انسانی گویند. او دسته دوم را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ زیرا وقتی می‌گوییم انسان باید در پاسخ به خواست و اراده خداوند، رفتاری مطابق با اوامر و نواهی او

داشته باشد و در واقع، هم تعلیم دینی و هم تعلیم اخلاقی افاده شده است (ر.ک؛ همان: ۳۳-۳۵).

۶- او معتقد است مقوله معنایی یک واژه ممکن است به شدت متأثر از واژه‌های مجاوری قرار گیرند که متعلق به همان میدان یا حوزه معنایی هستند و وقتی طبیعت واژه‌ای چنان باشد که با بسامد قابل ملاحظه‌ای در بافت‌های خاصی همراه با واژه متضاد خود به کار رود، لزوماً ارزش معنایی برجسته جفت خود را کسب می‌کند و نیز می‌توانیم به عنوان یک قاعده کلی بگوییم: هر چه واژه‌ای بیشتر بیانگر یک ویژگی ریشه‌دار قومی در یک فرهنگ باشد، انتقال معنای آن به وجه شایسته به زبان دیگر دشوارتر است و در هر زبانی، تعدادی واژه هست که آشکارا غیرقابل ترجمه می‌باشند. از این رو، برای تجزیه و تحلیل داده‌های قرآنی، شعار «فراهم آوردن، مقایسه کردن و همه اصطلاحات مشابه، متضاد و معادل را در ارتباط با یکدیگر قرار دادن» را سرمشق خود قرار می‌دهد (ر.ک؛ همان: ۴۷-۷۲).

۷- از دیدگاه وی، در هفت مورد، یک آیه یا عبارت قرآنی، اهمیت اساسی برای روش تجزیه و تحلیل معنایی پیدا می‌کند که عبارتند از: (۱) تعریف بافتی یا تعریف متنی: وقتی که معنی دقیق یک واژه به صورت عینی، از روی بافت آن و از راه توصیف لفظی روشن می‌گردد؛ مانند واژه «بر» (۲) واژه‌های مترادف: هنگامی که واژه «الف» جانشین واژه «ب» در بافتی یکسان و یا در بافتی می‌شود که از لحاظ ساختمان صوری مشابه است؛ مانند دو واژه «ذنب» و «خطیئه» (۳) واژه‌های متضاد؛ مانند دو واژه «حسنة» و «سیئة» (۴) زمانی که ساخت معنایی واژه مبهم از روی صورت منفی آن روشن می‌شود؛ مانند واژه «استکبر» (۵) حوزه یا میدان معنایی؛ یعنی روابط معنایی دارای طرح در میان دسته‌های مختلف واژه‌های یک زبان؛ مانند سه واژه «افترا»، «کذب» و «ظالم» که یک حوزه معنایی هستند (۶) موازنه و مترادف ساختمان: مراد نویسنده با توجه به مثال‌هایی که ذکر کرده، مواردی است که آیاتی کاملاً مشابه یکدیگرند و در آنها تنها یک کلمه متفاوت است و این مسئله ما را به جنبه خاصی از یک حوزه معنایی رهنمون می‌سازد (۷) واژه‌ها و اصطلاحات اخلاقی که حتی در محدوده قرآن نیز در بافت‌های غیردینی استعمال می‌شوند و از اینجا جنبه‌های مادی و ناسوتی معنای آنها

آشکار می‌گردد؛ مانند «جاهل» (ر.ک؛ همان: ۷۴-۸۳). از این رو، در این کتاب بدین مسئله توجه داشته است.

۲-۲-۴) دستاوردها

ایزوتسو در خاتمه کتاب، دستاوردهای خود را به شرح زیر بیان می‌کند:

(۱) نه تنها هر مفهوم بنیادی و کلیدی، ساخت معنایی خاص خود را دارد، بلکه مجموعه کلمات مفاهیم بنیادی، خود کم و بیش ساختار مستقل و بسته‌ای دارد؛ ساختاری که به نوبه خود به تعدادی نظام‌ها و سیستم‌های فرعی و کوچکتر بخش‌پذیر است.

(۲) هر سیستم یا دستگاه زبانی، نمایانگر گروهی از مفاهیم هم‌آراست که بر روی هم، جهان‌بینی خاصی را منعکس می‌سازد که خاص و مشترک‌فیه مردمانی است که به آن زبان سخن می‌گویند.

(۳) عربی قرآنی از جنبه معنایی منطبق با چیزی است که ما به حق می‌توانیم جهان‌بینی قرآن بنامیم و این جهان‌بینی به نوبه خود جزئی از جهان‌بینی گسترده‌تری است که در زبان عربی قدیم انعکاس یافته است و زبان اخلاقی قرآن نمایانگر تنها بخشی از جهان‌بینی قرآن می‌باشد.

(۴) تنها با مراجعه به فرهنگ‌های لغت نمی‌توانیم به مفاهیم واژه‌ها دست یابیم، بلکه باید روش خاصی ابداع کنیم که به وسیله آن بتوان رفتار هر یک از واژه‌های کلیدی را در تمام بافت‌های متعین زبانی آنها بررسی نمود. بنابراین، باید روشی یافت که واژه‌های قرآن خود معنای خویش را تبیین کنند.

(۵) معمولاً چنین تصور می‌شود که پیدایش اسلام با مذهب شرک پیش از اسلام هیچ پیوندی نداشته است، در حالی که کاملاً روشن است که از یک نظر میان شرک و چندخدایی اعراب و نیز یکتاپرستی و توحید اسلام رابطه‌ای انکارناپذیر وجود دارد.

(۶) اگر تصور کنیم که اعراب پیش از اسلام به کلماتی از ارزش‌های عالی اخلاقی به دور بوده‌اند، نسبت به آنان بی‌عدالتی بزرگی روا داشته‌ایم.

۷) قرآن بعضی از ارزش‌های پیش از اسلام را به کلی طرد و رد نموده است، اما بیشتر آنها پذیرفته شد و متناسب با خواست‌ها و نیازهای دین جدید، مورد تغییر، اصلاح و بسط قرار گرفت.

۸) نظام اخلاقی - دینی قرآن، مبتنی بر دوگانگی ساده، اما قوی و دقیق میان خوب و بد است.

۹) قرآن به جای اینکه مفاهیم خوب و بد را به شیوه‌ای کم و بیش انتزاعی و تجربیدی به کار برد، اخلاق و رفتار انسان را به صورتی کاملاً عینی و ملموس مورد قضاوت قرار می‌دهد.

۱۰) دو مفهوم ایمان و کفر به مثابه ستونی هستند که اخلاقیات قرآنی بر پایه آنها استوار شده است.

۱۱) در قرآن سرچشمه و زمینه غایی همه چیزها، دین است.

۱۲) مفاهیم اخلاقی - دینی به ارتباط عمودی میان انسان‌ها و خداوند مربوط است (ر.ک، همان: ۵۱۷-۵۲۲).

۳- مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن از نگاه ایزوتسو

ایزوتسو مفاهیم اخلاقی - دینی قرآن را در دو بخش ارائه می‌کند. ابتدا مفاهیم تقابلی مطرح در قرآن و آنگاه مفاهیم عمده اخلاقی را بررسی می‌کند. باید در نظر داشت که او در ارائه مفاهیم، بسیار به ارتباط واژه‌ها می‌پردازد.

۳-۱) تقابل‌های اخلاقی

مراد از تقابل‌های اخلاقی، مفاهیمی است که در راستای مواجهه قرآن با برخی اصول اخلاقی اعراب، در قرآن بیان شده است، به گونه‌ای که برخی از آنها را تأیید یا تصحیح می‌کند و یا به مخالفت با برخی از آنها می‌پردازد.

۳-۱-۱) تصحیح تصوّر بدبینانه اعراب جاهلی به زندگی خاکی

از نظر ایزوتسو، اسلام اصول اخلاقی جدیدی را اعلام داشت که همگی مبتنی بر اراده مطلق خدا بود، حال آنکه اصل اساسی زندگی اخلاقی پیش از اسلام، سنت قبیله‌ای یا «آداب و رسوم پدران و اجداد» بود. البته این به آن معنا نیست که اعراب پیش از اسلام میان درست و نادرست و نیز خوب و بد تفاوت نمی‌گذاشته‌اند، بلکه معیارهای اخلاقی در نظر آنها متفاوت بود؛ از جمله اینکه آنها بسیار نسبت به قبیله تعصب داشتند و هر کاری را که پدران و نیاکانشان انجام داده بودند، خوب می‌پنداشتند، ولی اسلام این سنت را تغییر داد. او دو وجه دنیادوستی و قبیله‌گرایی را در روح عصر جاهلیت، دارای اهمیت خاصی می‌بیند و به نکاتی چند اشاره می‌کند: ۱- روحیه واقع‌گرایی اعراب با آب و هوای آن سرزمین ارتباطی نزدیک دارد. ۲- خلود در شعر عربی پیش از اسلام، در اصل به معنای زندگی ابدی در همین جهان خاکی است. ۳- این اندیشه که بهترین چیز در دنیا مال و ثروت است و جاودانگی می‌بخشد، اندیشه زنان، معمولاً همسران است و حال آنکه شوهران یا چنین اندیشه‌ای را نکوهیده می‌شمارند و یا چون مخالف اصل اخلاقی بخشاینده است، بدان توجه نمی‌کنند. ۴- اسلام و جاهلیت در شناخت عدم جاودانگی و پوچی زندگی مادی، به ظاهر بر جایگاه یکسانی قرار دارند، اما جاهلیت چیزی فراتر از زندگی را نمی‌شناسد، پس زندگی دنیا را غنیمت می‌شمرد و به شراب‌خواری می‌پردازد، حال آنکه اسلام بر پایه معاد استوار است (ر.ک؛ همان: ۸۷-۱۰۶).

۳-۱-۲) مخالفت با تعصبات قومی و قبیله‌ای

ایزوتسو درباره قبیله‌گرایی بر آن است که احترام گذاشتن به روابط خونی، بیش از هر چیز در دنیا و عمل کردن در راستای عظمت قبیله، وظیفه مقدّسی بود که هر فردی از اعضای قبیله، خود را ملزم به رعایت آن می‌دانست. اما گاهی افرادی پیدا می‌شدند که به قبیله خود وفادار نبودند و از این رو، از قبیله طرد می‌شدند و در صحراهای عربستان سرگردان بودند. البته برخی از این افراد از سوی قبیله دیگری پذیرفته می‌شدند، اما به خاطر بیگانه بودن، زندگی سختی را می‌گذرانیدند. بنابراین، به نظر می‌رسد در روزگاران شرک عملاً هیچ نوع معیاری برای خوب و بد، و رای قبیله وجود نداشته است. بدین ترتیب، اسلام در مقابل این روحیه قرار گرفت و برتری همبستگی دینی را بر همبستگی نسبی و سببی قبیله‌ای اعلام

داشت. اصل همبستگی دینی یکباره نتوانست جانشین معیار اخلاقیات قبیله‌ای گردد. از این رو، حتی بعد از اسلام نیز همچنان این روحیات در بین اعراب وجود داشت و بدین دلیل، پیامبر^(ص) به هنگام مهاجرت مسلمانان از مکه به مدینه، میان آنها و انصار پیوند برادری برقرار کرد تا روحیه قبیله‌گرایی در میان آنها از بین برود. باید یادآور شد که این تعصب قبیله‌ای در دوره‌های بعدی اسلامی نیز ادامه پیدا کرد و مهم‌ترین نمونه آن، تشکیل نهضت شعوبیه و بروز دشمنی میان عرب و عجم در اوایل دوران عباسیان بود و این برخلاف سخن پیامبر بود که مسلمانان را از فخر فروختن بر حسب و نسب خویش منع می‌فرمود. او ضمن اشاره به آیه ﴿... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ...﴾ (الحجرات/۱۳)، بیان می‌دارد که این آیه در دو نقطه با کمال مطلوب کهن عصر جاهلیت برخورد و تضاد دارد و این دو نقطه عبارتند از: ۱- اسلام، دارنده صفات و سجایای شخصی را فرد معرفی می‌کند، نه قبیله. ۲- اسلام خضوع و فروتنی را که از نظر جاهلیت نشان ضعف بود، یک فضیلت می‌شمارد (ر.ک؛ ایزوتسو، ۱۳۷۸، الف: ۱۰۷-۱۴۷).

۳-۱-۳) تأیید برخی از فضیلت‌های کهن عرب

او ضمن بیان فضایی از اعراب که از سوی اسلام مهر تأیید بر آنها زده شد و اسلام تنها آنها را تهذیب نمود، معتقد است تمام فضایل موجود در بین اعراب، از اساس با اسلام مخالف نبود، بلکه بسیاری از آنها مورد تأیید اسلام بود که این را از خصوصیات پیامبر اکرم^(ص) پیش از بعثت می‌توان دریافت. شش صفت از اوصاف مهم اعراب که مورد تأیید اسلام بود، از این قرارند: سخاوت، شجاعت، وفا، راستگویی، صداقت و صبر. قرآن، ضمن تأیید این اوصاف، آنها را به ارزش‌های اسلامی تبدیل می‌کند (ر.ک؛ همان: ۱۴۹-۲۱۴).

۳-۱-۴) دوگانگی بنیادی اخلاقی

او با اشاره به سوره کافرون و موضوع بنیادی آن که قطع رابطه کامل اسلام را با دنیای شرک و اعتقادهای مشرکانه مرسوم نشان می‌دهد، به بیان دوگانگی بنیادی اخلاقی می‌پردازد، به طوری که بر اساس بینش و جهان‌بینی قرآنی، صفات و سجایای انسانی را به دو مقوله خوب و بد یا درست و نادرست تقسیم می‌نماید. او بیان می‌دارد اسلام برای اولین بار برای

اعراب این امکان را به وجود آورد که همه اعمال و رفتارهای انسانی را با عرضه داشتن آنها بر یک اصل اخلاقی که از جنبه نظری درست و توجیه پذیر بود، مورد ارزشیابی و قضاوت قرار دهند. از جمله دوگانگی‌های اخلاقی که در قرآن به آنها اشاره شد و او به آنها می‌پردازد، عبارتند از: کافر و متقی، مسلم و مجرم، ضال و مهتدی و نیز اصحاب بهشت و جهنم (ر.ک؛ همان: ۲۱۵-۲۳۶).

۲-۳) مفاهیم عمده اخلاقی

در این بخش، مفاهیم مورد بررسی قرار می‌گیرد که هر یک بسیاری از واژه‌های اخلاقی را در بر می‌گیرند. وقتی این واژه‌ها در کنار هم قرار گیرند، آن مفاهیم کلی و عمده را تبیین می‌نمایند و ویژگی‌ها و شاخصه‌های آنها را نمایان خواهند ساخت.

۱-۲-۳) کفر

ایزوتسو می‌گوید کفر نه تنها مفهومی است که همه صفات منفی دیگر بر محور آن می‌گردد، بلکه دارای چنان مقام مهمی در نظام کلی اخلاقی قرآن است که دانستن ساختمان معنای آن، تقریباً لازمه دریافت درست بیشتر صفات مثبت اخلاقی در قرآن می‌باشد. او ضمن بررسی تفصیلی معانی لغوی و اصطلاحی کفر، به بحث درباره واژه‌هایی می‌پردازد که هر یک گوشه‌ای از مفهوم کفر را به نمایش می‌گذارند و در قالب مترادف یا متضاد و یا حوزه معنایی در قرآن مطرح شده‌اند که عبارتند از: شرک، هوی، ضلالت، کبر، بغی، بطر، غنا، طغی، استغنی، جبار، استهزاء وحی و رسالت، ایمان، فاسق، فاجر، ظالم، معتدی و مسرف (ر.ک؛ همان: ۲۳۹-۳۵۹).

۲-۲-۳) نفاق

طبق نظر برخی از دانشمندان، مردم به سه دسته تقسیم می‌شوند: مؤمن، کافر و منافق. ایزوتسو ضمن بیان نظر فوق، از جمله شخصیت‌های مدافع این نظریه را حسن بصری و فخر رازی برمی‌شمارد و می‌گوید: جای انکار نیست که نفاق نکات مشترک بسیار با کفر دارد و این از آیات قرآن برداشت می‌شود که در آنجا تفاوت اساسی میان دو مقوله قائل نشده است و

جایگاه هر دو را دوزخ می‌داند، اما در نفاق جنبه‌ای است که به سبب آن می‌تواند به عنوان یک مقوله مستقل معنایی، میان کفر و ایمان مورد بررسی قرار گیرد، به گونه‌ای که از برخی آیات قرآن به دست می‌آید، مقوله معنایی نفاق به هیچ وجه محدوده غیرقابل نشستی میان کفر و ایمان نیست، بلکه گستره‌ای از معناست که مرز مشخص و معینی ندارد؛ یعنی مقوله‌ای است که ممکن است به هر یک از دو سو کشیده شود، چنان که به نحوی غیرمحسوس رنگ کفر یا ایمان به خود بگیرد. به نظر می‌رسد در درجه اول واژه نفاق برای مردمی از مدینه که در ظاهر ایمان آورده بودند، ولی در دل به آن حضرت اعتقاد نداشتند، به کار رفته باشد، ولی از آیات دیگر به دست می‌آید که این مقوله مختص این عده نیست، بلکه بر هر کس که اندکی شک در دل خود جای می‌دهد و در عین حال، خود را مؤمن معتقدی نشان می‌دهد، قابل انطباق است (ر.ک؛ همان: ۳۶۱-۳۷۲).

۳-۲-۳ ایمان

او می‌گوید ایمان مرکزی است که خصایل اخلاقی مثبت و حمیده به دور آن در حرکت می‌باشد. بنابراین، همه آنچه را که درباره کفر و وجوه مختلف آن بیان داشته، از جهت و زاویه مثبت آن مورد بررسی مجدد قرار می‌دهد. پس به تفصیل مباحثی در این باره ذکر می‌گردند. مؤمن واقعی، کفر، اسلام و مسلمان، هدایت الهی، تقوی و شکر که همگی در ارتباط با مفهوم ایمان هستند (ر.ک؛ همان: ۳۷۳-۴۱۱).

۳-۲-۴ خوب و بد

از نظر او، در قرآن نظام پرداخته‌ای برای مفاهیم تجریدی خوب و بد وجود ندارد و واژگان قرآن کلماتی را در بر دارد که آنها را معمولاً به نیک و بد ترجمه می‌کنند، اما بسیاری از این واژه‌ها در اصل واژه‌های توصیفی یا اشاری هستند. اگر آنها را به عنوان اصطلاحات ارزشی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم، بدان دلیل است که واژه‌ها بدون تغییر و در کاربرد واقعی، حامل بار ارزشی مشخصی هستند. برخی از واژه‌های مربوط به حوزه خوب و بد در قرآن کریم که مورد بررسی قرار می‌گیرند، عبارتند از: صالح، برّ و جنبه‌های مختلف آن، فساد، معروف و

منکر، خیر و شر، فضل الهی، حُسن و سوء و مهم‌ترین صورت‌های آن در قرآن، فحشاء یا فحش، طیب و خبیث، حرام و حلال، گناهان و واژه‌های کلیدی آن (ر.ک؛ همان: ۴۱۳-۵۱۵).

۴- روش ایزوتسو در ارائه مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید

روش ایزوتسو در ارائه مفاهیم اخلاقی - دینی، از چند شاخصه برخوردار است که از این قرارند:

۴-۱) بیان نظریه‌های مختلف و تحلیل و بررسی آنها

او نظریه‌ها و اقوال مختلف نویسندگان را در سراسر کتاب بیان می‌کند و به تحلیل و بررسی یا تأیید آنها می‌پردازد. هرچند این کار در فصل‌های پایانی که به سراغ واژه‌ها می‌رود، کمتر به چشم می‌خورد؛ زیرا سعی شده است تا واژه‌های قرآنی خود مفاهیم خود را تبیین نمایند؛ برای مثال، پس از ذکر نظر جان لاد در باب زبان اخلاقی بیان می‌دارد که در حقیقت، نکات مشابه بسیار میان نظر من و نظر او وجود دارد... با این همه، میان من و او یک تفاوت اساسی وجود دارد و آن این است که دکتر جان لاد پژوهش‌های خود را درباره اخلاقیات قوم ناواهوا بر بنیاد «احکام» اخلاقی، متمایز از «جملات» انجام داده است؛ به عبارت ملموس‌تر و عینی‌تر، وی بر اطلاعات و آگاهی‌های ترجمه شده به عنوان مدارک و شواهد اصلی و اولیّه اتکا ورزیده است (ر.ک؛ همان: ۲۴ و ۲۵) و یا در ادامه، نظر راجر براون را درباره زبان بیان می‌کند (ر.ک؛ همان: ۲۶).

۴-۲) ارائه نظریه‌های جدید

ایزوتسو برخلاف ایگناتس گلدزیهر که جهل را در مقابل علم قرار می‌دهد، جهل را در تقابل با حلم می‌داند. از دیدگاه او حلم، کشف جدید اسلام نیست، بلکه در جاهلیت نیز وجود داشت و از فضایل محترم و معتبر به شمار می‌رفت. او حتی معتقد است که جاهلیت ربطی به نادانی نداشت و دوره پویایی را نیز برای جاهلیت در کتاب خود ذکر کرده است (ر.ک؛ ربیعی آستانه، ۱۳۸۰: ۱۲۳ و ۱۲۴؛ نیز ر.ک؛ محقق داماد، ۱۳۸۰: ۳۷). او همچنین با تلفیق دو نظریه وایسگریبر و سایپر به ارائه نظریه‌ای می‌پردازد که از ویژگی‌های بهتری برخوردار است.

۳-۴) ارجاع فراوان به آیات قرآن

او برای تبیین مطالب خود بسیار به آیات قرآن ارجاع می‌دهد تا نشان دهد همه مطالب از خود قرآن گرفته شده است و وی در آنها دخل و تصرفی نداشته است. برای مثال، به منظور بیان ویژگی‌ها و نمونه‌های خضوع در قرآن، به آیات بسیاری ارجاع می‌دهد و در نهایت، به این ویژگی‌ها و نمونه‌ها دست می‌یابد: ۱- مهربانی و شفقت نسبت به بیچارگان و مستضعفان. ۲- فروتنی و مهربانی نسبت به پدر و مادر. ۳- تنها شخص مجرم مشمول اجرای عدالت و خونخواهی قرار می‌گیرد. البته برای خانواده مقتول شایسته است که خون‌بها بگیرد و واقعه را با صلح و آشتی خاتمه دهد و نیز حق انتقام از شخص سلب شده است و در دست خداوند گذاشته شده است. ۴- اسلام اصل حلم را به عنوان نقطه مرکزی نظام اخلاقی خود برگزیده است. ۵- تواضع و فروتنی دو جنبه دارد: اجتماعی و معنوی. همچنین از مهم‌ترین موارد در زمینه جنبه روحی و معنوی تواضع، همان توکل مطلق به خداوند است (ر.ک؛ ایزوتسو، ۱۳۷۸، الف: ۱۰۷-۱۴۷). او همچنین در فصل «اسلامی شدن فضیلت‌های کهن عرب»، به آیاتی در این زمینه اشاره می‌کند و ضمن بررسی آیات، به سه فضیلت که از دستاوردهای اسلام است، دست می‌یابد که عبارتند از: خداوند به عنوان حق، وحی به عنوان حق و اسلام به عنوان حق (ر.ک؛ همان: ۱۴۹-۲۱۴).

۴-۴) پرهیز از شتابزدگی و توجه به جنبه‌های مختلف

او معتقد است که نباید در فهم واژه‌های اخلاقی قرآن عجله کرد و باید آیات را در کنار هم سنجید و تمام موارد استعمال واژه‌ها را مورد بررسی قرار داد، همان‌گونه که علامه طباطبائی نیز معتقد به تفسیر قرآن به قرآن بود (ر.ک؛ محقق داماد، ۱۳۸۰: ۳۷). بنابراین، او در این کتاب بدین روش عمل کرده است. البته او از راه‌های دیگری نیز در فهم معانی کلمات بهره برده است؛ مانند رجوع به شعر جاهلی، فرهنگ جاهلی، کتب لغت، تفاسیر و ... که نشان می‌دهد به زمینه‌مندی و توجه به سبک و سیاق اعتقاد دارد، نه به متن محض (ر.ک؛ خرمشاهی، ۱۳۸۰، ب: ۸). هدف ایزوتسو، تحلیل زمینه و بستر کلام یا سیاق متن بوده است. بر همین اساس، وی در بررسی مفاهیم قرآنی با توجه به ویژگی‌های متنی و محیطی، ساخت معنایی واژه‌های قرآن را تجزیه و تحلیل کرده است (ر.ک؛ ایازی و پورافخم، ۱۳۹۳: ۱۳ و ۱۴).

همچنین، او به روابط معنایی همنشینی، جانشینی و تقابل توجه جدی داشته است. از این رو، در سراسر کتاب، با این رویکرد، مفاهیم اخلاقی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۴-۵) اعتقاد به یکپارچگی و اخلاقی بودن مباحث قرآن و پیروی از آن

از نظر ایزوتسو، دین شامل مجموعه روابط اخلاقی بین انسان با خداست. روابط خوب، ثواب و کارهای بد، عقاب دارد. آن عقاب جزء اخلاقیات محسوب می‌شود؛ یعنی مبحث وضو، روزه، نماز از فقه خارج و وارد اخلاقیات می‌شود. این حرف را غزالی با تعبیر دیگری در *احیاء علوم الدین* می‌گوید: «فقه علم دنیا است؛ یعنی متعلق به زندگی دنیوی مردم است. فقها عالمان دنیوی‌اند و برای زندگی دنیوی مردم چاره‌اندیشی می‌کنند. فقه علم خاکی است. این همین تقسیم‌بندی است» (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۳۷). او می‌گوید: «در قرآن یک مشت احکام اخلاقی، یک مشت احکام فقهی و یک مشت قصص نداریم. اینها همه یکپارچه هستند. قصص معنای اخلاقی دارند. حتی احکام فقهی هم همین طور هستند؛ یعنی ایشان معتقد است که اخلاقیات قرآن همان دین اسلام است» (خرم‌شاهی، ۱۳۸۰، ب: ۸). بنابراین، او با این اعتقاد به مباحث قرآن می‌نگرد و مفاهیم اخلاقی را استخراج می‌نماید.

۴-۶) اعتقاد به نسبت در اخلاق و پیروی از آن

بر اساس آنچه در دیباچه کتاب نقل کرده، دیدگاه کلی ایزوتسو اعتقاد به وجود قوانین کلی اخلاقی در عین اعتقاد به تکثر نظام‌های اخلاقی است. ریشه این اعتقاد در باور به تکثر نظام‌های فرهنگی است. او معتقد به نسبت در اخلاق است. او برای همه نظام‌های اخلاقی به یک اندازه حق وجود قائل است و هیچ یک را بر دیگری برتر نمی‌داند و به نوعی، همزیستی میان نظام‌های مختلف اعتقاد دارد (ر.ک؛ معصومی همدانی، ۱۳۶۱: ۲۶-۴۳ و ایزوتسو، ۱۳۷۸، الف: بیست و دو و بیست و سه). درباره نسبتی بودن اخلاق دو معنا وجود دارد: ۱- اصل ارزشی و ضدارزشی ثابت وجود ندارد و خوبی و بدی به پسند یا اکراه فرد یا جامعه وابسته است. ۲- رفتارهای اخلاقی با توجه به موقعیت‌ها و تغییر عنوان‌ها، دگرگون می‌شوند. نسبت به معنای دوم قابل پذیرش است که نظر ایزوتسو نیز همین است (ر.ک؛ ایازی و پورافخم، ۱۳۹۳: ۱۷ و ۱۸) که بر اساس آن، به بررسی مفاهیم اخلاقی می‌پردازد.

۷-۴) پیروی از سیر منطقی در ارائه مفاهیم

او از روش سمانتیکی در مطالعات اسلامی بهره برده است که مراحل آن در فهم معانی عبارت است از: ۱- فهم ابتدایی از معنای کلمه. ۲- پیدا کردن کلمات کلیدی در متن. ۳- پیدا کردن شبکه تصویری یا مجموعه کلی. ۴- تشخیص زمان ورود کلمه به متن. ۵- شناخت فرایند انتقال معنا از جهان بینی قدیم به دوره جدید. ۶- تفکیک معنای «پایه اساسی» از معنای «نسبی». ۷- چگونگی ساخته شدن میدان های معناشناختی و شناخت کلمه کانونی. ۸- یافتن ساخته ای فرازبانی (ر.ک؛ عدالت نژاد، ۱۳۸۲: ۹۹-۱۱۳). در کتاب *خدا و انسان* در *قرآن*، وی این روش خود را در معناشناسی *قرآن* به تفصیل و همراه با مثال های فراوان تبیین کرده است (ر.ک؛ ایزوتسو، ۱۳۷۴: ۱-۳۷). برای مثال، در بیان مفهوم «کفر»، با رویکرد فوق به ارائه مباحث می پردازد (ر.ک؛ ایزوتسو، ۱۳۷۸، الف: ۲۳۹-۳۵۹).

۸-۴) اعتقاد به نسبت زبانی و متن گرایی و پیروی از آنها

نظر ایزوتسو درباره زبان دارای دو جنبه است: یکی اعتقاد او به نسبت در زبان و دیگر اعتقاد او به اینکه معنای واژه ها فقط با توجه به متنی که در آن به کار رفته اند، معلوم می شود (ر.ک؛ معصومی همدانی، ۱۳۶۱: ۲۶-۴۳ و ایزوتسو، ۱۳۷۸، الف: بیست و نه).

درباره اعتقاد اول باید گفت: «زبان تا حدودی مقولات فرهنگی و اجتماعی را در خود منعکس می کند» (لطفی، ۱۳۹۳: ۴۴)، نه به صورت کلی، البته ایزوتسو خود را در بست به دست این نظریه نسپرده است، بلکه در موارد بسیاری به حکم عقل سلیم و فهم متعارف، ناگزیر برای روشن کردن معنای واژه ای، به تحلیل اوضاع و احوال اجتماعی و نیز بررسی اسناد و مدارک تاریخی پرداخته است، تا آنجا که حتی بر آراء و نظریه های دیگران تکیه کرده است و مهم تر از آن، سعی کرده است مفاهیم اخلاقی - دینی *قرآن* را به زبانی دیگر و به یاری مقولات آن زبان، تفسیر، تعبیر و ترجمه کند (ر.ک؛ معصومی همدانی، ۱۳۶۱: ۲۶-۴۳ و ر.ک؛ ایزوتسو، ۱۳۷۸، الف: سی و پنج و سی و شش). برای مثال، در تبیین مفاهیم خوب و بد بدین شیوه عمل کرده است (ر.ک؛ ایزوتسو، ۱۳۷۸، الف: ۴۱۳-۵۱۵).

درباره اعتقاد دوم باید گفت هرچند در برخی موارد می‌توان از این طریق به معنی دقیق‌تری رسید که او در تبیین مفهوم نفاق دینی بدین شیوه عمل کرده است (ر.ک؛ همان: ۳۶۱-۳۷۲)، ولی در بسیاری از موارد که ما از اوضاع و احوال زبان مبدأ آگاهی نداریم، کارایی ندارد. بنابراین، این اعتقاد می‌تواند به عنوان یک امتیاز در شناخت برخی واژه‌ها باشد که می‌توان در بسیاری موارد در قرآن برای شناخت واژه‌ها، این گونه عمل کرد و اگر قرینه‌ای بر استعمال واژه در عصر نزول نیافتیم، به سراغ راه‌های دیگر می‌رویم.

۵- ارزیابی روش ایزوتسو

از بررسی کتاب که با روش فوق به نگارش درآمده، امتیازات و کاستی‌های زیر قابل مشاهده است:

۵-۱) امتیازها

۱- ارجاع دادن در بخشی از کتاب به بخش‌های دیگر کتاب که بدین وسیله از تکرار جلوگیری می‌شود و به یک مطلب دو بار پرداخته نخواهد شد، به‌ویژه که ممکن است واژه‌ها به توضیح مشابه نیاز داشته باشند و یا در یک حوزه معنایی قرار گیرند؛ برای مثال، در پیشگفتار به فصل اول ارجاع می‌دهد (ر.ک؛ همان: ۹).

۲- ذکر مثال برای برخی مطالب در پاورقی (ر.ک؛ همان: ۱۸) و یا ارجاع دادن به منبعی برای دستیابی به مثالی در آن (ر.ک؛ همان: ۱۴) که بدین گونه از زیاده‌گویی در متن پرهیز کرده است.

۳- ارجاع دادن به برخی منابع برای دستیابی به توضیح بیشتر (ر.ک؛ همان: ۵۶) و یا توضیح بیشتر در پاورقی (ر.ک؛ همان: ۲۸، ۳۷، ۳۸، ۹۲ و ۲۹۹) که بدین گونه از بروز ناهمگونی در متن پرهیز شده است.

۴- این کتاب از دسته‌بندی کاملاً مناسبی برخوردار است، به گونه‌ای که خواننده به راحتی می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند.

۵- گاه در پاورقی خواننده را به فعالیت وامی‌دارد و او را به مقایسه بین آیات دعوت می‌کند (ر.ک، همان: ۳۸۹).

۶- تأکید او چندان بر منابع نبوده است و سعی کرده تا معنای واژه‌های اخلاقی قرآنی را با خود قرآن تبیین نماید که این کار بسیار حائز اهمیت است و بر اعتبار کتاب می‌افزاید.

۷- اگر نظریه معنایی ایزوتسو به دور از اغراق مورد پذیرش قرار گیرد، اثرهای مثبتی در شناسایی معانی و مفاهیم قرآنی دارد؛ زیرا بر اساس آن، واژه‌ها در کاربردهای مختلف و در حوزه‌های معانی متعدّد و نیز در مقابله با کلمات مترادف و متضاد بررسی می‌شوند که این کار باعث درک معانی دقیق کلمات می‌گردد، به‌ویژه در زبان عربی، با توجه به حوزه‌های گسترده معانی، این اصل می‌تواند در شناخت دقیق معانی کلمات مؤثر باشد.

۵-۲) کاستی‌ها

۱- وجود برخی اشتباه در کتاب، همچون: الف) از آیه ۶ سوره احزاب، اعطای امتیاز را برداشت کرده، در حالی که آیه در راستای تبیین یک حکم است (ر.ک؛ همان: ۱۲۰؛ پاورقی). ب) در ذکر جریان خالد بن ولید، گفته مردان قبیله بنوجذیمه را به خالد نسبت داده است (ر.ک؛ همان: ۵۹؛ پاورقی). ج) وجود برخی اشتباه در ذکر آیات قرآن که مترجم به آنها اشاره کرده است. د) ذکر نشانی آیات قرآن به دو گونه که بهتر بود یک قرآن مرسوم در میان مسلمانان مد نظر قرار گیرد تا مبدا گمان شود که قرآن‌ها با یکدیگر مغایرند.

۲- استفاده نکردن از منابع شیعی در ذکر مثال‌ها، به گونه‌ای که سوره عبس را خطاب به حضرت محمد^(ص) معرفی می‌کند، در حالی که برخی از مفسرین شیعه، این سوره را خطاب به حضرت محمد^(ص) نمی‌دانند (ر.ک؛ همان: ۱۳۲؛ پاورقی) و یا اضطراب و دودلی درباره منبع ندای اسرارآمیز را به پیامبر^(ص) نسبت می‌دهد (ر.ک؛ همان: ۱۴۹-۲۱۴)، در حالی که این مطلب در مذهب شیعه باطل است.

۳- ایزوتسو تقابل بین جاهلیت و حلم را به عنوان هدف قرآن مطرح کرده است، در حالی که هرچند قرآن صفت حلم را صفتی نیکو می‌شمارد، اما این واژه در نظام اخلاقی قرآن یک واژه اصلی و کلیدی نیست و در بررسی نظام اخلاقی قرآن باید محتاط بود (ر.ک؛

معصومی همدانی، ۱۳۶۱: ۲۶-۴۳ و ر.ک؛ ایزوتسو، ۱۳۷۸، الف: چهل و شش - پنجاه). البته خود مؤلف نیز در فصل «همبستگی قومی و قبیله‌ای»، در پاورقی کتاب چنین بیان می‌کند: «من دلیل این را که چرا خود واژه حلم با همه اهمیت که مفهوم آن در اندیشه قرآنی دارد، نقش مهمی در قرآن ایفا نمی‌کند، در کتاب دیگر خود خدا/ و انسان در قرآن به تفصیل بازگفته‌ام» (ر.ک؛ ایزوتسو، ۱۳۷۸، الف: ۱۳۸).

۴- بهتر بود مؤلف نظر خود در باب معناشناسی اخلاقی قرآن را در فصل جداگانه‌ای مورد بررسی قرار می‌داد تا مزایای این کتاب بیشتر نمایان گردد. هرچند در کتاب خدا/ و انسان در قرآن، درباره معناشناسی قرآن به تفصیل سخن گفته است، اما معناشناسی اخلاقی قرآن و شاخصه‌های آن نیازمند پژوهشی جداگانه است.

۵- توجه نکردن به وجوه مختلف و معانی متعدد واژه‌ها؛ زیرا برخی واژه‌ها در قرآن با توجه به شرایط مختلف، معانی مختلف از خود ارائه می‌دهند. هرچند ممکن است معنی اصلی و کلیدی آنها یکسان باشد، اما گاه معانی دیگری غیر از معنای اصلی از خود بروز می‌دهند که تأکید قرآن نیز بر معنای دوم است. باید در نظر داشت که جاهلیت در تقابل با علم نیز در قرآن به کار رفته است که نویسنده به آن توجه نداشته است.

۶- ایزوتسو معتقد است: الف) در تحقیق جهان‌بینی قومی نباید به منابع دستة دوم و ترجمه شده تکیه کرد. این مطلب درستی است، اما اگر منبعی ترجمه شده، بر اساس اصول پذیرفته شده جدید ترجمه در دسترس باشد، می‌تواند مفید و روشنگر باشد، وگرنه تلاش ایزوتسو در زمینه شناخت فرهنگ قرآنی اسلامی، به کلی بیهوده و گمراه‌کننده خواهد بود؛ زیرا او این تحقیقات را به زبان عربی منتشر نکرده است. ب) واژه و جمله‌های زبان‌ها قابل ترجمه نیستند. این همان نظریه‌ی ساپیر - ورف است، اما ایزوتسو پا را از نسبت مفهومی در نظریه‌ی ساپیر هم فراتر می‌گذارد. به نظر او، نه تنها در واژه‌ها و جمله‌های زبان‌های دیگر که حتی در زبان خود هر فرد و فرهنگی نیز این مشکل وجود دارد. نظریه‌ی ساپیر - ورف اگرچه به کلی از محتوای حقیقت خالی نیست، ولی انتقادهای جدی را در پی داشته است. تمام کسانی که انقلاب چامسکی را در زبان‌شناسی پذیرفته‌اند، با همگانی‌های زبانی و پیگیری دستور جهانی نظریه‌ی نسبیّت را نقض کرده‌اند. چهارچوب کلی این دستور برای همه زبان‌ها معتبر

است. به عقیده چامسکی، بخش‌های اساسی دستور جهانی که به صورت وراثتی در انسان وجود دارند، تصوّر می‌شود در داخل بخش‌های متفاوت، گزینه‌های بدیل وجود داشته باشد. زبان‌هایی که به صورت ظاهری کاملاً با یکدیگر اختلاف دارند، ممکن است در سطح زیرساخت تقریباً شبیه هم باشند و اختلاف اساسی آنها صرفاً در این باشد که مسیرهای مختلفی را در یک بخش خاص برگزیده‌اند. ایزوتسو اگرچه در مقام تئوری به ترجمه‌ناپذیری تن می‌دهد، اما در هنگام عمل از آن سر باز می‌زند؛ زیرا او خود یکی از موفق‌ترین مترجمین قرآن است (ر.ک؛ علوی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۲۹۹-۳۱۵).

۷- ایزوتسو به همراه شواهدی از قرآن، کفر را به معنای اعتقاد نداشتن به روز قیامت و رستاخیز عنوان می‌کند که در اصل آن سخنی نیست، اما بر این معنا توضیحی نیز می‌افزاید که جای حرف و سخن بسیار دارد. او می‌گوید: «در اینجا کافران آنها هستند که کاملاً پیرو عقل و استدلال‌اند... بی‌ایمانی و ناباوری آنان تنها محدود به اعتقاد به قیامت و رستاخیز نیست، بلکه آنان به خلیش عقل، مدام در هر چیزی که به نظرشان معقول نمی‌آید، تردید می‌کنند. اینان شکاکان فطری هستند: خصلتی که مشخص آنان است، درست بر ضد ایمان است که از انسان می‌خواهد که تسلیم بلاشرط در برابر فرمان‌های خداوند باشد» (ر.ک؛ ایزوتسو، ۱۳۷۸، الف: ۲۵۰-۲۵۲). اولاً آیات بسیار متعدّد و فراوانی در قرآن مجید وجود دارد که انسان‌ها را به تعقل، تفکر و استفاده از خرد انسانی دعوت می‌کند و برمی‌انگیزد و یا حتی در برخی مواضع آنان را که از این موهبت الهی بهره نمی‌برند، در راستای شناخت خداوند و ایمان به او، به سخت‌ترین شکل و با تعبیرهایی بسیار قوی مورد عتاب قرار می‌دهد و مثال بارز آن این آیه شریفه است: ﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ﴾ (الأنفال/۲۲) که از قضا در کتاب ایزوتسو نیز از نظر دیگری مطرح شده است و این نکته مغفول مانده است. ثانیاً به تصریح خود قرآن مجید، در مواضع بسیار زیادی که انسان را به آن فرامی‌خواند، راه شناخت خداوند از طریق شناخت طبیعت و هستی امکان‌پذیر است و این جز با کمک عقل و خرد انسانی متصوّر نیست. اما آنگاه که شناخت حاصل شد، از پی آن، اطمینان قلبی و در نتیجه، ایمان نیز خواهد آمد. بعد از ایمان، رستاخیز و معاد نیز به شکل تعبّدی چنان که ابن‌سینا می‌گوید، قابل پذیرش می‌گردد. به هر روی، به نظر می‌رسد میان

شک فلسفی و ایمان، تضادی مطابق اعتقاد ایزوتسو نیست و تخطئه تعقل و خرد نیز از آیات قرآنی هرگز بر نمی آید (ر.ک؛ ایزوتسو و بازساخت تطبیقی مفهوم ایمان، ۱۳۷۹: ۳۷).

۸- ایزوتسو معتقد است تمام صفت‌های اخلاقی در بشر انعکاس یافته است. بنابراین، توصیه شده است که سعی کنیم هرچه بیشتر صفت‌های خدایی پیدا کنیم. نقدی که می‌توان بر ایزوتسو وارد کرد، اینکه آیا بشر باید به همه صفت‌های خدا دست یابد؟ صفات خداوند دو گونه است: یک نوع صفت‌هایی است که مختص خداست و اگر بشر پیدا کند، بد است. اگر انسان از این نوع صفت‌ها دور شود و آنها را به خدا بدهد و خودش آن گونه نشود، خوب است. ایشان این نکته را نگفته است؛ مثلاً یکی از صفت‌های خدایی این است که منشاء حق است. هیچ کس نمی‌تواند روی حق چون و چرا کند (ر.ک؛ محقق داماد، ۱۳۸۰: ۳۷).

۹- ایزوتسو می‌گوید: کلمه کفر را در نظر بگیرید که در اصل به معنای ناسپاسی در برابر نعمات است و یک واژه اصیل توصیفی با محتوایی کاملاً عینی و واقعی است. در همان حال روشن است که این واژه را هاله‌ای ارزشی در میان گرفته که آن را از محدوده توصیفی صرف بودن بیرون می‌برد. آموزه‌های فلسفه علم به ما آموخته است که میان علم و ارزش تفاوت اساسی وجود دارد و آن‌گاه که از زبان اخلاقی، فلسفی، ادبی و نظایر آن سخن می‌گوییم، معیارهای زیانشناسی به مثابه یک علم چندان کارایی ندارد. اگر معنانشناسی را شاخه‌ای از زیانشناسی بدانیم و آن را مبتنی بر روش‌شناسی در علوم اساسی یا تجربی پنداریم، بدیهی است که کاربرد معنانشناسی به عنوان یک علم جدید در زبان اخلاقی، این بار یک کاربرد ذوقی است و به سرعت در حین کاربرد، درجه علمیت خود را از دست می‌دهد (ر.ک؛ نیازی، ۱۳۸۲: ۱۶۶-۱۶۷).

۱۰- بی‌توجهی به تفاوت فهم افراد پس از نزول قرآن، به گونه‌ای که میان مهاجرین و انصار تفاوت نمی‌گذارد. همچنین او به اوضاع و احوال زمانی و بیرونی مؤثر در فهم قرآن، توجهی نداشته است، به گونه‌ای که مفاهیم قرآنی را در چهارچوبی بی‌زمان مورد بحث قرار می‌دهد (ر.ک؛ شریفی، ۱۳۹۲: ۹۱).

۶- میزان اثرپذیری ایزوتسو از دیگر منابع در ارائه مفاهیم

در تبیین واژه‌های اخلاقی از تفاسیر، فرهنگ‌های لغت، کتب تاریخ اسلام و جاهلیت، دیوان‌ها و برخی کتب حدیثی استفاده شده است. استفاده از این منابع در راستای تبیین واژه‌ها با توجه به شرایط موجود در زمان استعمال آنها بوده است. اما در اغلب موارد واژه‌ها با توجه به موقعیتی که در آیات دارند، معنا شده‌اند. علاوه بر کتب مزبور در موارد معدودی برای تبیین واژه به کتب مستشرقان مراجعه شده است.

مهم‌ترین منابع این کتاب عبارتند از: *سیره النبی* از ابن اسحاق، *السیره النبویة* از ابن هشام، *روض الأنف فی شرح السیره النبویة* لابن هشام از عبدالرحمن السهیلی، *تاج العروس* زبیدی، *محیط المحيط بستانی*؛ *انوار التنزیل و اسرار التأویل* از بیضاوی، *دیوان عبید الأبرص، مفضلیات* از مفضل الضبی، *معلقات سبع* ویراسته آرنولد، *حماسة ابوتمام، أمالی سید مرتضی، الابانه، حیاة العربیة من الشعر الجاهلی* اثر احمد محمد الجوفی، *معجم مقاییس اللغة* از ابن فارس؛ *دیوان* طرفه، *دیوان عنتره، صحیح بخاری، الکواکب الدراری* (شرح صحیح بخاری) از شمس‌الدین محمد بن یوسف کرمانی، *الفقہ الأكبر ابوحنیفه، تفسیر کبیر فخر رازی و إشارات المرام من عبارات الإمام* از کمال‌الدین احمد بیاض. از این میان، تنها کتاب *أمالی سید مرتضی*، جزء منابع شیعی است و دیگر منابع همگی متعلق به اهل سنت است، البته یادآوری می‌شود که در کتاب *أمالی سید مرتضی* نیز روایان سنی بسیاری به چشم می‌خورد. بنابراین، میزان استفاده از منابع شیعی بسیار ضعیف است.

نتیجه‌گیری

۱- ایزوتسو بی‌طرفانه به ارائه مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن پرداخته است، اما لغزش‌هایی نیز در این راه داشته است؛ زیرا نمی‌توان انتظار داشت که او مانند شخصی مسلمان به آیات قرآن و واژه‌هایش بنگرد. اما با وجود این، در بسیاری موارد نیز نتایج مفید و منطقی پدید آورده است که اگر شخص دیگری نیز به این کار می‌پرداخت، به نتایج مشابه او دست می‌یافت.

۲- بر اساس نظر ایزوتسو در این کتاب، مفاهیم اخلاقی - دینی قرآن دو دسته‌اند: الف) تقابل‌های اخلاقی که قرآن به تأیید یا تصحیح آنها و یا مخالفت با آنها می‌پردازد؛ از جمله: تصوّر بدبینانه زندگی خاکی، همبستگی قومی و قبیله‌ای و فضیلت‌های کهن در میان اعراب. ب) مفاهیم عمده اخلاقی که هر یک از آنها بسیاری از واژه‌های مهم اخلاقی را در بر می‌گیرند و عبارتند از: کفر، نفاق، ایمان، خوب و بد. تأکید مؤلف در این کتاب، توجه تام به قرآن است، چنان‌که قرآن خود مفاهیم خود را تفسیر کند. از این رو، بسیار به روابط میان واژه‌ها، یعنی همنشینی، جانشینی و تقابل توجه داشته است.

۳- روش این کتاب از چند شاخصه برخوردار است: بیان نظریه‌های مختلف، ارائه نظریه‌های جدید، ارجاع فراوان به آیات قرآن، پرهیز از شتابزدگی و توجه به جنبه‌های مختلف، اعتقاد به یکپارچگی و اخلاقی بودن مباحث قرآن، اعتقاد به نسبت در اخلاق، پیروی از سیر منطقی در ارائه مفاهیم و نیز اعتقاد به نسبت زبانی و متن‌گرایی.

۴- نقاط قوت این اثر عبارتند از: پرهیز از تکرار و زیاده‌گویی، بیان توضیح‌های ضروری، دسته‌بندی کاملاً مناسب، وادار کردن مخاطب به تفکر و فعالیت، سعی در استخراج معانی واژه‌ها از خود قرآن، توجه به روابط مختلف بین واژه‌ها و نیز استفاده از منابع گوناگون در تدوین کتاب است و نقاط ضعف آن هم عبارتند از: وجود اشتباه‌هایی در کتاب؛ مانند اشتباه در ذکر آیات قرآن، استفاده نکردن از منابع شیعی در ذکر مثال‌ها، اختصاص ندادن فصل جداگانه‌ای به معناسازی اخلاقی قرآن، تأکید بسیار بر نسبی بودن اخلاق، توجه نکردن به وجوه گوناگون و معانی متعدد واژه‌ها، بی‌توجهی به تفاوت فهم افراد پس از نزول قرآن و در نهایت، توجه نکردن به اوضاع و احوال بیرونی مؤثر در فهم قرآن است.

۵- این کتاب می‌تواند راهی پیش روی مسلمانان قرار دهد تا با آگاهی بیشتر به معناسازی اخلاقی قرآن بپردازند و ضمن تقویت نقاط قوت کتاب ایزوتسو، عیوب کتاب او را تکرار نکنند؛ زیرا بسیاری از عیوب این کتاب، شکلی است و قابل رفع هستند. همچنین بسیاری از خُرده‌هایی که بر ایزوتسو گرفته‌اند، بر تئوری‌های او وارد است و نه عمل او. راه حلی که در راستای بهره‌برداری کامل از قرآن ارائه می‌شود، استفاده از همه نظریه‌های معنایی

در کنار هم است؛ زیرا قرآن بطون مختلف دارد و هر یک از نظریه‌ها ممکن است به کشف بطنی از آن کمک کند.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

ایازی، سید محمدعلی و مریم پورافخم. (۱۳۹۳). «ایزوتسو و نقد و بررسی دو اثر قرآنی وی». *فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء*. سال ۱۱. شماره ۳. پیاپی ۲۳. صص ۳۲-۵.

ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۷۴). *خدا و انسان در قرآن*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

_____ . (۱۳۷۸). الف. *مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.

_____ . (۱۳۷۸). ب. *مفهوم ایمان در کلام اسلامی*. ترجمه زهرا پورسینا. تهران: سروش.

«ایزوتسو و بازساخت تطبیقی مفهوم ایمان». (۱۳۷۹). *دوهفته‌نامه گلستان قرآن*. شماره ۱۷. صص ۳۷-۳۴.

بدره‌ای، فریدون. (گفتگو) (۱۳۷۹). «ایزوتسو و مفاهیم اخلاقی قرآن». *دوهفته‌نامه گلستان قرآن*. شماره ۲۱. صص ۲۶-۲۰.

پورجوادی، نصرالله. (۱۳۷۱). «آخرین دیدار با پروفسور ایزوتسو». *مجله نشر دانش*. شماره ۷۴. صص ۸-۲.

پهلوان‌نژاد، محمدرضا، و علیرضا سزاوار. (۱۳۸۷). «معناشناسی قرآن؛ مطالعه موردی سوره جمعه». *مجله قبسات*. شماره ۵۰. صص ۱۰۷-۱۳۰.

خرم‌شاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۱). «درگذشت پروفسور ایزوتسو». *مجله کیان*. شماره ۱۰. صص ۶۱.

_____ . (۱۳۸۰). الف. «روش پدیدارشناسانه ایزوتسو در قرآن پژوهی». *دوهفته‌نامه گلستان قرآن*. شماره ۶۸. صص ۳۹-۳۸.

_____ . (۱۳۸۰). ب. «قرآن پژوهی ایزوتسو». *روزنامه جام‌جم*؛

<http://www1.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100004223399>

دین‌پرست، منوچهر. (۱۳۸۲). «زائر مشرقی (تأملی بر آثار و اندیشه‌های توشیهیکو ایزوتسو)». *مجله اخبار ادیان*. شماره ۶. صص ۳۴-۳۲.

- ربیعی آستانه، مسعود. (۱۳۸۳). «ایزوتسو و معنی‌شناسی در آیات قرآن». *مجله پژوهش‌های قرآنی*. شماره ۳۷ و ۳۸. صص ۳۲۸-۳۴۰.
- _____ . (۱۳۸۰). «معرفی چند اثر برجسته مستشرقان». *مجله بینات*. شماره ۳۰. صص ۱۱۶-۱۲۵.
- شریفی، علی. (۱۳۹۲). «نقد و بررسی آرای ایزوتسو در حوزه معناشناسی قرآن کریم». *مجله حکمت معاصر*. سال چهارم. شماره ۳. صص ۸۱-۱۱۰.
- عدالت‌نژاد، سعید. (۱۳۸۲). «روش سمانتیکی در مطالعات اسلامی». *سخنگوی شرق و غرب؛ مجموعه مقالات همایش بزرگداشت پروفسور توشیهیکو ایزوتسو*. به کوشش شهرام یوسفی‌فر. تهران: دانشگاه تهران؛ مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- علوی‌نژاد، سید حیدر. (۱۳۸۰). «معنی‌شناسی و فهم متن». *مجله پژوهش‌های قرآنی*. شماره ۲۷ و ۲۸. صص ۲۸۷-۳۲۱.
- غفوری‌نژاد، محمد. (۱۳۸۰). «گزارش همایش بزرگداشت پروفسور توشیهیکو ایزوتسو». *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*. شماره ۴۴. صص ۸۸-۹۱.
- قنبری، امید. (۱۳۸۵). *زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی پروفسور توشیهیکو ایزوتسو*. ترجمه کتابشناسی از طاهره عدل. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- لطفی، سید مهدی. (۱۳۹۳). «بررسی و نقد معناشناسی قرآنی ایزوتسو». *دوفصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*. شماره ۶. صص ۳۷-۵۰.
- محقق، مهدی. (۱۳۷۱). «ایزوتسو هم رفت». *مجله تحقیقات اسلامی*. سال هفتم. شماره ۱. صص ۱۵۵-۱۶۴.
- محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۰). «مفاهیم اخلاقی در قرآن». *دوهفته‌نامه گلستان قرآن*. شماره ۶۷. ص ۳۷.
- معصومی همدانی، حسین. (۱۳۶۱). «بحثی در زبان اخلاقی قرآن». *مجله نشر دانش*. سال دوم. شماره ۳. صص ۲۶-۴۳.
- نصیری، محمد. (۱۳۸۶). «یادها و یادگارها از اسلام‌شناس ژاپنی، پروفسور ایزوتسو». *ماهنامه معارف*. شماره ۵۴. صص ۲۶-۲۸.

نیازی، شهریار. (۱۳۸۲). «ایزوتسو و معنی شناسی قرآن». *سخنگوی شرق و غرب: مجموعه مقالات همایش بزرگداشت پروفسور توشیهیکو ایزوتسو*. به کوشش شهرام یوسفی فر. تهران: دانشگاه تهران؛ مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.